

در پی داشت. هر چند در مثال فوق قاعده‌ی منع توسل به‌زور آشکارا از سوی ایالات متحده نقض شد و خود این کشور نیز به این امر معترف بود و باین‌که این اقدام آمریکا به‌هیچ‌وجه با شرایط دفاع مشروع به‌ویژه فوریت و تناسب آن و احراز ضرورت یک حمله نظامی، سازگاری نداشت ولی واکنش جامعه‌ی بین‌المللی نسبت به این اقدام بسیار ناچیز بود. از پانزده عضو شورای امنیت تنها چین مشروعیت حمله را زیر سؤال برد، باقی کشورها سکوت کردند و اقدام ایالات متحده از سوی کشورهای غربی و حتی روسیه با تصویب مواجه شد. (سلیمی، ۱۳۷۶، ص. ۳۴۹)

واکنش ضعیف جامعه‌ی بین‌المللی علاوه‌بر موقعیت طرفین و نقش عوامل سیاسی، ناشی از اعمال جنایت‌کارانه عراق چه در تهاجم به کویت و چه عمل تروریستی علیه رئیس‌جمهور آمریکا بوده است. در واقع این حمله نوعی مجازات علیه عراق تلقی شده است که انزجار بشریت و جامعه‌ی بین‌المللی از ارتکاب جنایات بین‌المللی توسط دولت‌ها و اعتقاد ایشان به مسئولیت کیفری چنین دولت‌هایی را نشان می‌دهد، هرچند اقدامات یک‌جانبه توجیه‌پذیر نیستند. روشن است که جامعه‌ی بین‌المللی از ارتکاب جنایت منجر شده و حتی اگر از نظر تئوریک و علمی مسئولیت کیفری دولت‌ها را نپذیرفته باشد، در عمل گویی چنین مسئولیتی را به رسمیت شناخته؛ و درصدد است دولت‌های خاطی را مجازات کند. باین‌حال به‌خاطر جوانی حقوق بین‌الملل کیفری، ضعف ساختاری و عوامل سیاسی، این واکنش‌ها به‌طور منظم و یک‌نواخت در نیامده‌اند. (سلیمی، ۱۳۷۶، ص. ۳۵۰) همراهی حقوق جدید با پیشرفت‌های قابل توجه در قرن بیستم، بر این نکته تأکید دارد که امروزه این نیاز احساس می‌شود که، دولت‌ها علاوه‌بر مسئولیت مدنی که در اصلاح ضرر و جبران خسارت اقدامات غیرقانونی بین‌المللی تجلی می‌یابد، لازم است از مسئولیت کیفری بین‌المللی نیز برخوردار باشند. اما بر سر این مسئله که چه کسی متحمل مسئولیت کیفری بین‌المللی خواهد شد، اختلاف نظر وجود دارد. نظرات موجود در این رابطه را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم نمود.